مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده: ن . جلیل زاد ۲۰۲۵/۰۵/۱۲

بازگشت به آینده:
احیای نهضت پیشروندهٔ امانیست

در تاریخ ملت‌ها، گاه لحظه‌ای می‌درخشد که فراتر از زمان خود می‌تابد؛ لحظه‌ای که اگرچه کوتاه و زخمی، اما الهام‌بخش نسل‌های بعدی می‌شود . دههٔ امانی در تاریخ افغانستان، یکی از همین لحظات است؛ لحظه‌ای که مردی با رؤیایی بلندتر از کوه‌های هندوکش، به نام غازی امان‌الله خان، بیرق استقلال، پیشرفت، برابری و قانون‌مداری را بر افراشت .
اکنون، پس از گذشت یک قرن، امانیست‌ها در برابر یک پرسش سرنوشت‌ساز ایستاده اند: آیا آن رؤیای ناتمام را باید تنها در صفحات تاریخ بست، یا آن را به پرچمی برای فردا بدل کرد؟ ما بر این باوریم که پاسخ، در عمل نهفته است .
من و جمعی از دوستان من امانیست اند .
ما به احیای نهضتی باور داریم که بنیاد آن بر علم، عدالت، آزادی، حقوق زن، وحدت اقوام، استقلال سیاسی و تجدد فکری نهاده شده بود . نهضتی که اگرچه از سوی قبیله‌گرایی، استبداد دینی، و بازی‌های استعماری به زمین افتاد، اما اندیشهٔ آن زنده ماند؛ چون نوری زیر خاکستر، چون نغمه‌ای در گلوهای خاموش‌شده. ما فرزندان فکری امان‌الله‌ایم، نه برای تکرار گذشته، بلکه برای تفسیر دوبارهٔ آن در افق امروز . هدف ما ساختن افغانستان است که در آن، حاکمیت قانون بر سلیقه‌های فردی چیره باشد؛ که زن افغان از حق آموزش، کار، رأی و کرامت انسانی برخوردار باشد؛ که وحدت ملی جایگزین شکاف‌های قومی شود؛ که علم و دانش، میراث مشترک همه‌گان باشد، نه امتیاز گروهی خاص.
احیای نهضت امانی، به معنای بازگشت به مدل قدیمی سلطنت نیست؛ بلکه بازگشت به روح ترقی‌خواهی، استقلال‌طلبی و عقل‌گرایی است .
ما می‌دانیم که جهان امروز، پیچیده‌تر و چندلایه‌تر از عصر امان‌الله است . اما ارزش‌های بنیادین نهضت امانی، همچنان پاسخ‌هایی روشن برای پرسش‌های امروز ما دارند: چگونه می‌توان در برابر بنیادگرایی ایستاد؟ چگونه می‌توان کشور را از فساد، تبعیض، و جهل رهانید؟
چگونه می‌توان آینده‌ای ساخت که در آن، هم گذشتهٔ فرهنگی ما حفظ شود، و هم راه به‌سوی پیشرفت گشوده بماند ؟
ما می‌دانیم که این راه، آسان نیست . دشمنان آزادی و تجدد، هنوز در لباس‌های نو و قدیم، در نهادها و شبکه‌ها، حضور دارند . اما ما با آگاهی، انسجام فکری، و ایمان به مردم، برخاسته‌ایم .
ما نه از سر نوستالژی، بلکه از سر ضرورت، به امانیسم بازگشته‌ایم. زیرا در میان تمام طرح‌ها و ایسم‌هایی که از بیرون یا با خشونت آمده‌اند، تنها امانیسم بود که ریشه در خاک وطن داشت و رو به افق تمدن.
امروز، اگر نسلی از جوانان، دختران، نویسندگان، اندیشمندان، و فعالان مدنی گرد آمده‌اند تا بیرق آن نهضت را از نو برافرازند، این خود نشانه‌ای است از زنده بودن وجدان تاریخی ما .
ما در پی تشکیل حزب نیستیم، در پی تکرار شعارها نیستیم؛ ما در پی بازآفرینی بینشی هستیم که امان‌الله آن را آغاز کرد و تاریخ آن را ناتمام رها کرد.
احیای نهضت امانی، یعنی کاشتن بذر آینده‌ای که در آن، انسان افغان بتواند آزاد بیندیشد، برابر زیست کند، و با افتخار از هویت چندگانه‌اش سخن بگوید . و این مأموریت ماست؛ مأموریتی که با قلم، اندیشه، و فداکاری پیش خواهد رفت.
بازگشت به روشنایی: سرود امانی در دل شب تاریخ
گاهی در دفتر خونبار تاریخ، صفحه‌ای ورق می‌خورد که بوی صبح می‌دهد، اگرچه در غروب نوشته شده باشد .
دههٔ امانی، همان سپیده‌دمی بود که در دل تیره‌ترین شب‌ها طلوع کرد؛ فریادی بود از دل نسل خسته، بانگی برای رهایی، و رؤیایی از آینده‌ای که هنوز نیامده، اما از یاد نرفته است.
ما، فرزندان این رؤیای نیمه‌تمام‌ایم .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپلې لیکنه له راالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

ما امانیست‌ها، باورمندان به افق‌های باز، به قانون، به عقلانیت، به انسان آزاد و به زنی که نه در کنج خاموشی، که در متن تاریخ بایستد. ما، با دلی پر از اندوه گذشته، اما نگاهی روشن به فردا، گرد آمده‌ایم تا نغمهٔ ناتمام امان‌الله را از نو بخوانیم.
آن شاه آزاده، با دلی تپنده از شوق، به‌جای تاج، شعور بر سر نهاد . او پادشاهی نبود که دیوار بکشد، بلکه پلی ساخت میان کهنه و نو، میان سنت و دانش، میان خاک ما و افق‌های بلند بشری .
امان‌الله نیامد که تاریخ را انکار کند، بل آمد تا آن را به زبان نو بنویسد؛ با قلم عدالت، با رنگ آگاهی، بر کاغذی به رنگ نور. امروز که ما در عصر حیرانی و فراموشی ایستاده‌ایم، واژهٔ امانیسم برای‌مان نه خاطره‌ای دور، که نقشهٔ راه است .
نه بازگشتی به سلطنت، بل بازگشتی به روحی که می‌خواست مردم‌سالاری را به آسمان کابل بیاورد . او در عصری که زن را نادیده می‌گرفتند، از حق دختر افغان برای دانستن سخن گفت . در زمانی که تعصب چون زنجیر بر گردن اقوام آویخته بود، از برابری پشتون و تاجیک و هزاره و ازبک گفت . در هنگامه‌ای که جهل تاج افتخار بود، امان‌الله علم را بر تخت نشاند. اکنون ما، همفکران این راه، گرد آمده‌ایم . نه با شمشیر، که با شعور؛ نه با شعار، که با شناخت؛ نه برای تکرار، بل برای تکامل آن رؤیای مجروح .
ما آمده‌ایم تا بگوییم: وطن هنوز تشنهٔ عدالت است، هنوز گرسنهٔ دانش، هنوز بی‌سرپناه در برابر طوفان تبعیض، ارتجاع، و جهل .
ما آمده‌ایم تا در برابر شب، مشعلی دوباره بیفروزیم. ما می‌دانیم که امانی‌بودن آسان نیست؛ این راه، رهرو اندیشه و صبر می‌طلبد، نه هیاهو. دشمنان روشنی، هنوز نقاب بر چهره دارند .
اما ما، با شور خرد، با شعلهٔ عشق به میهن، با نغمهٔ زنِ خاموش‌نشده، به پیش می‌رویم .
ما آینده را از دل گذشته بیرون می‌کشیم، بی‌آن‌که در دام نوستالژی بیفتیم.
احیای نهضت امانی، بازآفرینی ایمان به انسان است؛ انسانی که آزاد بیندیشد، برابر بزیَد، و در سایهٔ قانون، به آفتاب خود برسد .
ما نه حزب‌ایم، نه گروهی بسته؛ ما صداهای پراکنده‌ایم که به وحدت رسیده‌اند؛ ما تپش‌های بی‌قرار یک آرمان‌ایم: تا آن پرچم که در باد تاریخ افتاد، دوباره بر قلهٔ آگاهی برافراشته شود.

آرشیف: مطالب نشر شدهٔ ن. جلیل زاد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ